



در بخش‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی

هدف ما: ایجاد فضای سالم و صلح آمیز در محیط علمی.

آینده‌ی بهتر متعلق به کسانی است که به آن باور دارند.

1

تابستان 1398

شماره مسلسل 006

سال دوم

فصل نامه‌ی

صلح باوران

سیر علمی استادان و دانشجویان پوهنتون قندهار به دانشگاه البیرونی



تعدادی از استادان، کارمندان و دانشجویان دانشگاه قندهار طی سیر علمی دو روزه از دانشگاه البیرونی دیدار به عمل آوردند. در روز نخست با رییس و معاونان دانشگاه دیدار نمودند و در روز دوم با اعضای کانون جوانان مرکز صلح نشستی داشته و فعالیت‌های مرکز تحقیقاتی پاچاخان را ارایه نمودند.



برگزاری ورکشاپ اعمار صلح و حل منازعات برای استادان دانشگاه های البیرونی پروان، موسسه تحصیلات عالی پنجشیر و انستیتوت طبی لقمان حکیم در دانشگاه البیرونی....

4

گرامی داشت از روز جهانی صلح



2019 09 18 11 43

4

صلح و راه های حل منازعه



4

بازتاب اندیشه های صلح جویانه، در شعر فارسی



گفتمان علمی تحت عنوان بازتاب اندیشه های صلح جویانه، در شعر فارسی دری به منظور ترویج صلح و بیان واژه صلح در اشعار نویسنده گان و قلم به دست، از سوی مرکز صلح دانشگاه البیرونی به هماهنگی اتاق ایران شناسی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه برگزار گردید. در این گفتمان بعد از تلاوت آیات کلام الله مجید پوهنمل احمد جاهد مشتاق معاون علمی و مسوول مرکز پوهنتون البیرونی در مورد اهمیت صلح صحبت نمودند. سپس پوهنیار نورالرحمن ناصح استاد فاکولته زبان و ادبیات و مسوول اتاق ایران شناسی از شاعرانی که در مورد صلح سروده بودند نام گرفتند. به ترتیب پوهنیار میرخسرو واصفی استاد بخش فارسی فاکولته ادبیات نیز نظری بر شاعران صلح جو داشته و اشعار آن ها را به دکلمه گرفت. آخرین سخنران برنامه پوهنیار نصیر احمد آرین استاد دیگر فاکولته زبان و ادبیات بود که در مورد میکانیزم های رسیدن به صلح صحبت نموده و برگزاری چنین گفتمان ها را در این راه موثر دانست.

زهره "قبادی"

بررسی خشونت علیه زنان در افغانستان

و راهکارهای مقابله با آن

برابری فقط در روی کاغذ پیاده شد و زن همچنان به عنوان جنس دوم باقی ماند. امروز حقوق زنان به طور عام نقض می‌شود. وضعیت نا به هنجار و نا بسامان زن در افغانستان ناشی از یک سلسله عوامل و موارد پایدار است که با وجود مبارزات و تلاش‌ها در این عرصه هنوز هم وضعیت زنان را در افغانستان به چالش کشیده است. زمانی می‌توان از کنترل خشونت علیه زنان سخن به میان آورد که بطور دقیق عوامل آنرا شناسایی نمود و آنگاه در جهت پیشگیری از عوامل قدم برداشت تا خشم و خشونت کنترل گردد. بنا روی همین ملحوظ در این قسمت تلاش شده است تا عوامل زیر بنای خشونت علیه زنان را در افغانستان مطرح شود. در جامعه افغانستان ما هنوز شاهد رفتار خشونت آمیز هستیم، جنگ‌های دهه‌های گذشته نمودهای روشن از بروز خشونت بوده و هست گروه‌های مختلف از این مسله آسیب دیده‌اند، زنان نه تنها از این خشونت‌ها بدور نبوده‌اند بل بیشترین نوع خشونت را شاهد بوده‌اند. اما سوال اصلی اینست که علل نقض حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان چیست؟ وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان نگران کننده است و نقض گسترده‌ی حقوق زنان و خشونت علیه زنان در این کشور به عوامل مختلف اجتماعی بستگی دارد. ساختار اجتماعی مردانه، فرهنگ و ارزش مرد سالارانه که زن را ناتوان و عاجز تلقی نموده و ذهنیت بدبینانه که نسبت به زنان در آموزه‌های آن وجود دارد، نظام حقوقی و قضای بیمار، وجود نارسایی وضعیت در ارگان پولیس که باعث اعمال خشونت و سوء استفاده اخلاقی و جنسیتی زنان که شکایت می‌کنند و در بازداشت پولیس قرار می‌گیرند، سطح پائین دانش عمومی زنان، وابستگی اقتصادی زنان به مردان و فرهنگ معافیت از جمله عوامل خشونت علیه زنان در افغانستان است. علاوه بر این عوامل ذیل از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عوامل خشونت علیه زنان در افغانستان شناخته می‌شود:

- یکی از اساسی‌ترین دلایل نقض حقوق بشر و خشونت علیه زنان در افغانستان قانون گریزی است عامل دیگری که در افزایش خشونت علیه

بر آن‌ها تحمیل شده است گواه بر این است. بعد گذشت ده‌ها سال جنگ و خشونت با روی کار آمدن رژیم‌های زن ستیز در دهه 1990 حقوق زنان همواره زیر پا شده و زن به عنوان جنس دوم در برابر مرد محسوب می‌شد. اما در دهه‌های جدید با به وجود آمدن نظام‌های دموکراتیک و پشتوانه‌ی قدرت‌های بزرگ جهان سال 2001 حاکی از آغاز عصر متمایز در عرصه‌های حقوق زنان می‌باشد. از جمله اهداف اصلی مداخله جامعه بین الملل در افغانستان را وضعیت نابه هنجار زنان در دهه 1990 تشکیل میداد. که با مبارزات و مداخلات آنان وضعیت زنان افغانستان در مقایسه با دهه 1990 دگرگونی قابل ملاحظه داشت. جایگزینی این امر در شماری از قوانین، فرمان‌ها، و اجتماع فعالان غیر دولتی در عرصه‌های حقوق زن مشهود است. قانون اساسی افغانستان که پس از سقوط رژیم مستبد طالبانی تصویب شده متأثر از همین مبارزات در بطن خود جایگاهی برای زنان نیز مانند مردان تعیین نموده و مسله برابری حقوق زنان را با مردان در خود گنجانیده است. ماده 22 قانون اساسی افغانستان بیان میدارد «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است، اتباع افغانستان اعم از مرد و زن در برابر قانون از حقوق و وجایب یکسان برخوردار است.» به همین ترتیب موارد 83 و 84 آن نیز حقوق بشری زن را مورد حمایت قرار داده و بر مشارکت آنان در لویه جرگه و شورای ملی تاکید می‌نماید طوری که رئیس جمهور را مکلف می‌کند تا 5 فیصد از یک سوم منصوبین شورای ملی را به زنان اختصاص بدهد. اما این

مفهوم خشونت علیه زنان: خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف خانگی و اجتماعی آن چه در جوامع توسعه یافته و چه در جوامع در حال توسعه همواره به عنوان دغدغه اصلی مطرح بوده است. این شکل از خشونت علیه گروه خاص از مردم (زنان) اعمال می‌شود. جنسیت قربانی پایه اصلی خشونت است. کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان طی یک کنفرانس بین المللی در 8 مارچ 1999 تحت عنوان «دنیای مبرا از خشونت» خشونت علیه زنان را عام‌ترین نوع خشونت و در عین حال شرمسارترین نوع نقض حقوق بشر می‌داند که هیچ مرز و بوم و هیچ فرهنگ و ثروتی نمی‌شناسد.

خشونت علیه زنان و عوامل آن در افغانستان: خشونت علیه زنان از گسترده‌ترین نوع بد رفتاری و نقض حقوق بشر بشمار می‌رود که در بیشتر از کشورهای جهان این عمل تحت عنوان‌های مختلف مثل فرهنگ و مذهب مورد چشم پوشی قرار می‌گیرد. خشونت علیه زنان پدیده جدید نیست در کشورهای غربی حدود 30 سال پیش و در افغانستان پس از شکل گیری رژیم طالبان خشونت‌های از این نوع به اشکال مختلف مشهود بوده است. افغانستان به مثابه یکی از کشورهای باران زده بسیار خطرناک و تجربه دار بیش از سه دهه جنگ از قدیم شاهد آمارهای بلند خشونت علیه زنان است. زنان در افغانستان هنوز جایگاه سنتی قبلی خود را عوض نموده‌اند. آنان هنوز هم در بند و حسارت‌های تشکیل شده از سوی مردان محسور اند. عدم سهم گیری زنان در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و جایگاهی اجتماعی پائین که

مفهوم خشونت: برای بیان مفهوم خشونت تعاریف و استدلال زیادی وجود دارد باتوجه به تنوع بار معنایی این مفهوم بین علما و اندیشمندان یک تعریف مشخص وجود ندارد، بنا در ذیل به بخشی از تعاریف ارائه شده به خشونت می‌پردازیم. خشونت از کلمه عربی خشن شدن و ضد نرمی گرفته شده است. اساس کلمه خشونت راضرر رسانیدن به دیگران به هر نوع چه مادی، معنوی، جسمی و یا روانی. اولین و جامع‌ترین تعریف از خشونت از گلز و استروس می‌باشد دو فردی که سال‌های زیادی در زمینه خشونت به تحقیق پرداخته‌اند از دید این دو محقق خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار برای وارد نمودن آسیب فزیکمی به فرد دیگر است.

ژن: واژه زن در فرهنگ فارسی مادینه انسان بشرماده جفت و همسر مرد، مطلق فردی از افراد اناث منکوحه باشد یا غیرمنکوحه معنا می‌شود. در ادبیات پهلوی از زن به (ژن) و اوستا و هندباستان به (جنی) یاد می‌شود. در ادبیات عرب و متون دینی از زن به (امرا) که مونث است تعبیر می‌شود. بنابر کشفیات دکتر طاروق اشپودان در باره اعجاز عدوی قرآن کلمه زن و مرد را بطور مساوی ۲۴ بار در قرآن کریم تکرار شده‌اند. در زبان لاتین واژه زن به عنوان ماده، مادینه، زنان مونث مربوط به زن جنس ماده زنان و نسون یا دنده است. زن قدرت سازنده اما اسیر در موهومات و گفتار اشتباه و محبوس در جنسیت. در واقع باید گفت نه مرد از زن برتر است و نه زن از مرد هر دو به یک اندازه و مساوی و مکمل برای هر ملت محسوب می‌گردند.

رسانه‌های شنیداری و تصویری نیز در این جهت قابل ملاحظه است. همچنان راهکارهای دیگری نیز وجود دارد که دولت باید عملی نماید: آموزش بهداشت (صحت) بلوغ ویژه دختران در اوایل دوره متوسط مکتب؛

1 گنجاندن مطالب در زمینه ازدواج قبل از ازدواج 2 اجباری نمودن آموزش قبل از ازدواج و آموزش خانواده‌ها و بیان پیامدهای بد ناشی از ازدواج در سنن پائین.

نتیجه گیری: عمل خشونت در هر گوشه و کنار به گونه‌های مستقیم و غیر مستقیم توسط اشخاص مختلف در مقابل زنان در اجتماع صورت می‌گیرد. ولی میزان خشونت در کشور‌های عقب مانده و کشورهای جهان سوم به ویژه افغانستان به مراتب بیشتر از کشورهای جهان اول و دوم است. زنان در افغانستان با مشکلات و محدودیت‌های فراوانی مواجه هستند. خشونت‌های بی شماری از جانب اشخاص مختلف در برابر ایشان صورت می‌گیرد که شامل قتل، آزار و اذیت جنسی، روانی، ازدواج‌های زیرسن و ... در برابر زنان در کشور باعث شده که سالانه تعدادی زیادی از زنان تهدید شوند، عده‌ی مجبور به فرار شوند و تعداد دیگری از ایشان جان‌های خود را از دست بدهند. برای مقابله با این مشکلات باید قانون‌های حمایت از زنان وجود داشته باشد تا حیثیت و حقوق فردی ایشان زیر پای نشسته و آنها نیز مانند مردان بتوانند در کارهای اجتماعی سهم گرفته و از حقوق و افتخارات خویش مستفید شوند.

فریما "سیدی"

پدیده خشونت شوند. به عنوان اساسی‌ترین مسوولیت دولت در این ارتباط این است که دولت باید تلاش نماید قانون گریزی را که به عنوان یک سنت تاریخی در جامعه مطرح می‌باشد را به قانون گذاری تبدیل کند. ترویج منطق گفتگو و ارزش‌های دموکراتیک، ما در بحث عوامل خشونت را ذکر نمودیم که مردم افغانستان حل مشکل را از طریق پر خاشگری و جنگ به نوع فرهنگ خود تبدیل نموده‌اند به حدی که حتی در کوچکترین مسایل خود مایل به رفتن به سوی خشونت هستند، بنا هر گاه منطق گفتگو و استدلال در جامعه ترویج داده شود شهروندان کوشش می‌کنند برای حل اختلاف خود از گفتگو و استدلال استفاده کنند تا خشونت، که به این شکل زمینه‌های همدیگر پذیری فراهم گردد. با توجه به این که خشونت یک شکل ارتباطی است برای رفع آن باید هر دو رابطه نمود یا واضح بگوئیم این که خشونت را در یک سیستم باید بصورت سیستمی بررسی نمود و تمام عوامل آنرا در نظر گرفت. علاوه بر این موارد راهکارهای ذیل می‌تواند در جهت کاهش خشونت علیه زنان کمک کننده باشد: سعی شود از ازدواج در سن پائین جلوگیری شود. در این زمینه وظیفه دولت این است مواد قانون اساسی خود را که در ارتباط به همین موضوع ذکر شده است که ازدواج را برای دختران بالاتر از 16 و از پسران را بالاتر از 18 قرار داده است را بصورت همه جانبه عملی نماید و نقش

راهکارهای برای مقابله با این پدیده پیشنهاد گردد. زیرا زمانی می‌توان از کنترل خشونت علیه زنان سخن به میان آورد که بطور دقیق عوامل آنرا شناسایی کرد و آنگاه باید در جهت پیشگیری از عوامل قدم برداشت تا خشم کنترل گردد. در قدم نخست می‌توان گفت که مبارزه در برابر خشونت علیه زنان نیازمند برنامه‌های گسترده می‌باشد. برای این که پدیده خشونت در جامعه نكوش شود لازم است دولت در قدم نخست اصلاحات لازم را در نظام و شیوه‌های کار نهادهای عدلی و قضائی کشور بوجود آورد و در قدم بعدی آگاهی لازم حقوق بشری و حقوقی از سوی دولت که اقتدار نهادهای آموزشی را در دست دارد مردم را نسبت به قانون و حقوق شان آگاه ساخته و به مردم بفهماند که در صورت نقض حقوق شان می‌توانند به نهادهای دولتی حمایت کننده در این خصوص شکایت کنند، و دولت باید در امر رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه زنان و مبارزه با فساد بطور گسترده برنامه‌های را روی دست گرفته جدی عمل نماید تا ناقضان قانون و مرتکبین اعمال خشونت علیه زنان مجازات گردند و از سوی دیگر دولت می‌تواند در قالب کارگاه‌های رسانه‌ها و گاهنامه‌ها نیز به مردم در این مورد اطلاع رسانی کند تا مردم از حقوق و امتیازات خود از یک سو و از سوی دیگر ارج گذار به حقوق دیگران معرفت حاصل نموده و خود باعث از بین بردن

- زنان در افغانستان تاثیر گذار است عدم آگاهی مردم از حقوق خود و نهادهای مجری قانون می‌باشد.
- خیلی از شهروندان نمی‌دانند که دارای چه حقوقی اند و کدام نهادی از حقوق آن‌ها حمایت می‌کند.
- عامل دیگری به عنوان اصلی‌ترین عامل در جامعه سنتی افغانستان شناخته می‌شود مرد سالاری حاکم در جامعه افغانستان می‌باشد.
- ازدواج دختران در سن کم و پایین تر از سن قانونی. در افغانستان مسله ازدواج و خانه داری هنوز هم بشکل سنتی آن نگریده می‌شود به نوعی که برای جامعه افغانستان تفاوت بین سن قانونی برای ازدواج و عدم آن هیچ مطرح نبوده است.
- محیط: عوامل محیطی هم نقش مهم در بروز خشونت دارد. از جمله‌ی عوامل محیطی ازدحام جمعیت است افرادی که با جمعیت بیشتر سرو کار دارند نسبت به افرادی که در جامعه کم ازدحام تر بسر می‌برند خشن تر اند و بروز خشونت در این نوع جوامع زیاتر است. فرهنگ: عوامل فرهنگی نقش موثر در بروز خشونت دارد.

راهکارها برای مقابله با خشونت علیه زنان در افغانستان: پس از شناسایی عوامل و دلایل خشونت

صلح جویی در اشعار مولوی و فردوسی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ملقب به «مولوی»، « خداوندگار بلخ»، « ملای روم» و « رومی» از بزرگترین شاعران ادب فارسی و به قول شفیعی کدکنی از شگفتی‌های تبار انسانی به حساب می‌رود. مولانا در بلخ زاده شد و در قونیه درگذشت. او در عمر قریب به هفتاد سال زنده‌گی‌اش با تمام کائنات از در صلح، آشتی و محبت وارد شد و این رمز خلود و جاودانه‌گی او در قلوب مردمان جهان است.

در ارتباط به مولانا می‌توان صدها کتاب نوشت اما به طور خلاصه او را در یک جمله می‌توان خلاصه کرد و آن این‌که مولانا « شاعر عارف عاشق» بود، وی از منظر عرفان که مبتنی و متکی بر عشق است با کائنات در تعامل می‌شد. زیرا عرفان کار دل است و عارف با خودآگاهی و خودشناسی‌ست که به خداشناسی می‌رسد و چون قطره‌ای به دریای نور خدا وصل می‌شود. صلح مولانا از صلح درونی به عنوان خودسازی یا خودشناسی آغاز و به خداشناسی منتهی می‌شود؛ و از همین ناحیه است که انسان از منظر نگرش عرفانی مولانا می‌تواند به کمال معنویت برسد.

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید
تو یکی نه ای هزاری تو چراغ خود بی‌فروز

در اندیشه‌ی عرفانی مولانا زمانی‌که انسان به خودآگاهی و معرفت خودی رسید، آنگاه در میابد که فلسفه‌ی خلقت آدمی عشق است و باید عاشقانه به خدا، ماوراء و اطراف نگاه کرد. به باور او هر مذهبی، قسمتی از حقایق را در خود جای داده است و به این ترتیب قابل احترام است. همان‌گونه‌ی که هر انسان جزء از کل انسانیت است و هر جمال، جلوه‌ای از زیبایی خداوند است. به باور عرفا، خداوند منبسط بوده و در تمام عالم گسترده است و هیچ کس نمی‌تواند خود را نماینده‌ی مطلق حقیقت کل خداوند بداند، زیرا؛

اندیشه‌های صلح‌جویانه‌ی فردوسی: حکیم ابوالقاسم فردوسی

بزرگترین شاعر حماسه‌سرای ادب فارسی و در عین حال ادبیات جهان می‌باشد که به قول هانری ماسه پروفیسور فرانسوی با « هومر» یونانی همسری می‌کند و حتا برتر از اوست. شاهنامه دربرگیرنده‌ی دلآوری‌ها، قهرمانی‌ها و شهسواری‌های مردمان آریایی‌ست که غالباً به صورت یک کتاب حماسی به‌در آمده است. اما قید « حماسی‌بودن» بدین معنا نیست که شاهنامه پر از نبرد و کشمکش باشد. جنبه‌های صلح‌جویانه‌ی شاهنامه به حدیست که می‌توان در باب آن کتاب‌ها نوشت و فردوسی را با قهرمانان راستین شاهنامه، صلح‌جوترین افراد بشر قلمداد کرد. در تمام شاهنامه جنبه‌های عقلانی و خردگرای بر جنبه‌های احساسی غلبه دارد. در جهان‌بینی حماسی فردوسی، باید به موری آزار نرسد، زیرا؛ او هم به مانند انسان جان دارد و جان شیرین خوش است؛ میازار موری را که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

فردوسی بی‌هیچ تردیدی، در صدد ترغیب جنگ نبوده و از لابلای هر نبردی در شاهنامه از صلح و آشتی به‌خوی جانبداری می‌کند. او جنگ و نزاع را امر غیر الهی و شیطانی می‌داند که از جانب دیوان به آدم‌ها تحمیل می‌شود. به باور او، آدم خردمند باید ره ایزدی را ببیماید و از جنگ و بدی نفرت داشته باشد: مرا سیر شد دل از جنگ و بدی همی جست خواهم ره ایزدی که خون ریختن، نیست آیین من نه بدرکردن اندر خور دین من فردوسی به طور مکرر به این نکته توجه دارد که زنده‌گی مقطعی و گذراست و مرحله‌ای بیش نیست. این دو مرحله انباشته از خیر و شر، نیکی و بدی‌ست که انسانها همواره بین آن دو مرحله (ظلم و عدل) قرار دارد. یعنی زندگی بین نور و ظلمت بوده و این دو باهم آمیخته است، آدمی باید در جهت محو ظلم و بی

حقیقت کامل خدا در انحصار کسی نیست، و هرکسی آیتی از حقیقت خدا را نزد خود دارد. پس انسان‌ها برای دستیابی به آن حقیقت کلی با تمام جهان باید از آشتی و صلح دریابند، و ابزار شناخت باید دانایی و خرد باشد. چنان‌که قبلاً تذکر دادیم، مولانا به تمام مذاهب احترام قایل است؛ اما، بهترین مذهب نزد او، آن است که متکی به عشق باشد:

مذهب عاشق ز مذهب‌ها جداست
عاشقان را ملت و مذهب خداست

پس به باور مولانا اگر ما تعصب‌ورزی را پیشه کنیم و بدون آگاهی به رد مذاهب و عقاید دیگران بپردازیم، درحقیقت پاره‌ای از حقایق را انکار کرده‌ایم و این انکارکردن حقایق و تعصب‌ورزی به‌نحو زیان‌بار است. در جهان‌بینی عرفا و به‌خصوص مولانای بلخ، رسیدن به مرحله‌ی « وحدت عرفانی» یا « فناقی‌الله و بقابالله» که آخرین مرحله‌ی نهایی عرفان است، زدودن و کنار گذاشتن اختلاف‌ها، کدورت‌ها، و ستیزه‌هاست. ما نمونه‌هایی از بردباری و عدم ستیزنده‌گی را در داستان سلیمان که مولانا آنرا در مثنوی آورده است به‌وضوح مشاهده می‌کنیم. سلیمان هیچ فرق و تمیزی بین زاغ و باز نمی‌گذارد و این رسم زنده‌گی‌ست:

ای سلیمان در میان زاغ و باز
حلم حق شو با همه مرغان بساز

حالا اگر سلیمان با آدم‌های بدمش، مدارا و با آدم‌های رادمش نیکی نکند، زمینه‌ی بروز اختلافات و دشمنی‌ها فراهم می‌شود. مولانا ریشه‌ی تمام اختلافات، دشمنی‌ها و تضادهای بشر را، کوتهنظری و معلومات سطحی انسان‌ها می‌داند:

از نظرگاه است ای مغز وجود
ختلاف مؤمن و غیر و جهود

داستان فیل در خانه‌ی تاریک بزرگترین مدعای این مسأله است. در مثنوی حکایت طوری آمده است که شهری بود که مردمش، اصلاً فیل ندیده بودند، از هند فیلی آوردند و آن فیل را به خانه‌ی تاریکی بردند و مردم را به تماشای آن دعوت کردند، مردم در آن تاریکی نمی‌توانستند فیل را با چشم ببینند. ناچار بودند که با دست آن را لمس کنند. کسی که دستش به خرطوم فیل رسید، گفت: فیل مانند یک لوله‌ی بزرگ است. دیگری که گوش فیل را با دست گرفت؛ گفت: فیل مثل بادبزن است. یکی بر پای فیل دست کشید و گفت: فیل مثل ستون است. و کسی دیگر پشت فیل را با دست لمس کرد و فکر کرد که فیل مانند تخت خواب است. آنها وقتی نام فیل را می‌شنیدند هر کدام گمان می‌کردند که فیل همان است که تصور کرده‌اند. فهم و تصور آنها از فیل مختلف بود و سخنانشان نیز متفاوت بود.

اگر در آن خانه شمع می‌بود. اختلاف سخنان آنان از بین می‌رفت. ادراک حسی مانند ادراک کف دست، ناقص و نارسا است. نمی‌توان همه چیز را با حس و عقل شناخت. براین اساس برداشت هندیان از فیل در تاریکی بزرگترین مثال کسانی است که از چراغ هدایت و بصیرت محروم اند. بناء جنگ و نابرابری، خشونت و عدم تساهل، درگیری و کدورت از روی نادانی و کج‌فهمی آدم‌ها صورت می‌گیرد. اگر آدمیان به مرحله‌ی خودآگاهی و معرفت برسند، آنگاه به‌دور از علایق می‌توانند دنیایی از صلح، وحدت و همدیگر‌پذیری را بنا کنند. از جانب دیگر مولانا، اسلام را یگانه مرجع مهم در جهت محو اختلافات و دشمنی‌ها می‌داند. او جهت تثبیت نظر خود داستان قبیله‌ی « اوس» و « خزرج» را مثال می‌آورد و تصریح می‌کند که این دو قبیله تا قبل از اسلام، همواره باهم در جنگ و ستیز بودند، اما؛ به مجرد آنکه اسلام آمد، آن کینه تیزی‌ها و خصومت‌ها به دوستی، برادری و برابری مبدل شد:

عدالتی بکوشد. شاهنامه پر است از قهرمانی‌ها و دلآوری‌ها که در حقیقت قهرمانان راستین آن به دنبال صلح و آشتی اند تا جنگ. مثلاً در یکی از تراژیدی‌ترین نبردهای شاهنامه، اسفندیار با رستم می‌خواهد بجنگ و داستان او را ببندد. رستم در نهایت می‌کوشد تا با اسفندیار از در صلح وارد شود؛ اما، غرور و نخوت اسفندیار اجازه نمی‌دهد تا با رستم مصالحه کند و سرانجام آن حرکت نابخردانه منجر به مرگ اسفندیار می‌شود. رستم علی‌رغم آنکه می‌داند اسفندیار با او صلح نمی‌کند، دریافته بود که جنگ با اسفندیار و کشتن او پیامد خطرناک دارد. بنابراین قهرمانان راستین شاهنامه در مجموع از جنگ متنفرند و طرفدار مصالحه و آشتی می‌باشند، و حتا در بسیاری از نبردها آنها آغازگر نبرد نبوده اند. نیک‌خویی و نیک‌منشی یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که به باور فردوسی، آدمی باید آراسته به آن باشد. و زمانی‌که انسان‌ها نیک‌خویی پیشه کنند و به دنبال اعمال نیکو باشند، آنگاه دیگر اثری از خشونت و درگیری باقی نخواهد ماند. فردوسی جهان را فانی دانسته و تنها چیزی که باقی می‌ماند، نام نیک و اعمال نیک است:

تو تا زنده‌ای سوی نیکی گرای
مگر کام یابی به دیگر سرای

که نیکی‌ست اندر جهان یادگار
نماند به کس جاودان روزگار

تمام قهرمانان راستین شاهنامه از قبیل رستم، سیاوش، کیخسرو و... از جنگ و خشونت متنفر اند، به‌طور مثال: «در صدر مبارزان راه صلح در شاهنامه، باید از سیاوش پاک‌نهاد یاد کرد. وی با همه توانمندی و قابلیت رزم‌آوری‌اش، بالفطرت از جنگ و ستیز نفرت دارد و پیوسته از درگیری و خونریزی اجتناب می‌کند؛ از جمله برای فراهم‌آوردن موجبات آشتی ایران و توران این دو دشمن دیرینه‌ساز هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و از تمامی وسایل و امکانات موجود استفاده می‌کند. در این راستا فرنگیس دختر افراسیاب، پادشاه توران زمین را به زنی می‌گیرد با این امید که با اختلاط خون ایرانیان و تورانیان، آتش کینه‌های کهنه فرونشیند و زخم‌های مزمن اختلاف و عداوت التیام یابد. وی از بُن جان، به شومی و بیهودگی جنگ باور دارد. فردوسی در شاهنامه از هیچ

دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت یک‌بردیگر جان خون آشام داشت کینه‌های کهنه‌شان از مصطفی محو شد در نور اسلام و صفا درشکستند و تنن واحد شدند چون فشردی شیرهای واحد شدند

مولانا به پیروی از قرآن، نژادپرستی، زبان‌پرستی و قوم‌گرایی را به نکوهش می‌گیرد و این عمل را ناشی از احساسات و گرایش‌های عاطفی بشر می‌داند نه از معرفت و آگاهی. به باور او، رفتارهای احساسی و عاطفی به علت چسبیدن به ظواهر و « رنگ و سَمَت» صورت می‌گیرد و فی‌المقابل اگر رفتار آدمی، معرفت‌مندانه و آگاهانه باشد، آنگاه آدمی به معنا می‌رسد و اختلافی باقی نمی‌ماند: اختلاف خلق از نام افتاد چون به معنا رفت آرام افتاد

او در تمام اشعار خویش بیشتر توجه به همدلی دارد تا همزبانی. و همدلی را نقطه‌ی وصل و یکپارچه‌گی میان مردمان جهان می‌داند. در نزد او ترک، پارسی، هندو، عرب و... از یکدیگر برتری ندارند و حتا نژادپرستی نمی‌تواند مردمان یک نژاد خاص را وحدت ببخشد؛ زیرا، بسا تُرک‌هایی دیده می‌شود که با وجود همزبانی به علت نفهمی، از همزبان خود بیگانه است:

ای بسا هندو و ترک و هم زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانه‌گان

پس زبان محرمی خود دیگر است
همدلی از همزبانی بهتر است

ترک و کرد و پارسی گو و عرب
فهم کرده آن ندای گوش و لب

به باور مولانا تعصب بیانگر خام بودن و نرسیدن به مرحله‌ای پخته‌گی است:

سخت‌گیری و تعصب خامی است
تا جنبینی کار خون‌آشامی است

شخصیتی جانبداری نمی‌کند و هیچ تعصبی به شخصیت‌های شاهنامه ندارد. زن و مرد، پهلوان، موبد و شاه و وزیر آمیخته‌ای از جبر و اختیار و خیر و شر اند. مثلاً سودابه زنی است که جلوه‌های اهریمنی و اهورایی را توأمان درون خود دارد. از سویی جلوه‌ی اهورایی از عشق دارد و همین عشق او به سیاوش سبب شکوفایی جنبه‌ی نامیرایی و جاودانگی سیاوش می‌شود. و از دیگر سو اسیر پلیدی‌های اهریمنی است، زیرا به من حقیقی و اهورایی خویش بی‌اعتنایی می‌کند و با دروغ و نیرنگ، سیاوش را متهم به کارنکرده می‌نماید. سودابه که روزی زنی عاشق و فرشته‌خو بوده، چنان به خود مغرور می‌شود که اهریمن بر او چیره می‌گردد. همچنان که کاووس و اسفندیار و هوشنگ و حتی رستم از وسوسه‌های اهریمنی در امان نیستند. حکیم طوس، به دنبال عدالت اجتماعی بود، او با نیروی فکری و اندیشه‌ی خدادادی که داشت تمام زورمندان و مستبدان را به دادگری و عدالت اجتماعی دعوت نموده و از جبر و ستم برحذر می‌داشت. او بی‌هیچ هراسی مانند یک رهبر یا یک پیشوا در مقابل زورمندان و ستم‌گران می‌ایستد و یک‌سره به آنها می‌فهماند که به دادگری و عدالت توجه داشته باشند.

اگر داد گر باشی و سرفراز
نمانی و بماند نامت دراز

به باور محمد امین ریاحی آنچه که فردوسی در خطبه‌های جلوس پادشاهان و فرامین آنها به سرداران، اندرزهای بزرگان خطاب به شاهان از جمله، سخنان بزرگمهر را آورده که ارزش آنرا دارد تا سرمشق ارباب قدرت و شیوه‌ی کار آنها قرار بگیرد. بنابراین شاهنامه، شهکاری‌ست که از هر جهتی مطالب صلح‌جویانه به خاطر تحقق عدالت اجتماعی در آن به مشاهده می‌رسد. الگو قراردادن آن در زنده‌گی فردی و اجتماعی می‌تواند انسان را به کمال سعادت و یک زنده‌گی سرشار از صلح و آشتی برساند. فردوسی در لابلای هر حکایتی به زعم خویش از شفقت، عدل، نیکی، احسان، صبر و... سخن می‌گوید و به‌نحو جهان‌بینی زنده‌گی‌ساز خویش را ترسیم می‌کند.

خیرالدین " فرزند"

فصلنامه نامه صلح باوران چشم به راه مقاله‌ها، تبصره‌ها، گزارش‌ها و طرح‌های خوب شما می‌باشد. این فصلنامه در زمینه ویراستاری مقاله‌ها دست باز دارد. صلح باوران اعلانات شمارا با کیفیت عالی و قیمت نازل می‌پذیرد.

گرامی داشت از روز جهانی صلح

اعضای مرکز صلح دانشگاه البیرونی در ادامه برنامه‌ها و فعالیت‌های خود محفلی رابه تاریخ 1398/6/27 به مناسبت بزرگداشت از روز جهانی صلح! با اشتراک پوهنمل احمد جاهد "مشتاق" معاون علمی و مسوول مرکز صلح دانشگاه، پوهنمل دوکتور ضیا الرحمن "روبین" ریس اسبق دانشگاه، پوهنیار نور محمد "حشمت" ریس فاکولته حقوق و علوم سیاسی، حامد شریفی "مسول سازمان جوانان جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت کاپیسا، شماری از اساتید و محصلان برگزار نمودند. محفل با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید آغاز گردید. سپس پوهنمل احمد جاهد "مشتاق" در سخنان خویش صلح را ضامن پیشرفت و ترقی تلقی بیان کردند. در ادامه دوکتور ضیا الرحمن رو بین گفتند «صلح تنها با شعار نمیشود، ما باید با عمل فکری و رفتاری خود آن را بدست آوریم». پوهنیار نور محمد "حشمت" در جریان صحبت‌های شان به آیت 11 سوره الرعد اشاره کردند که خداوند (ج) چه زیبا میفرماید: ((إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)) یعنی خداوند تغییر وارد نمیکند هیچ قومی تا زمانی که تغییر نکنند با نفس‌های شان. پس ما اگر خواهان تغییرات مثبت در جامعه خود هستیم باید اول خود را اصلاح کنیم تا بتوانیم! برنامه با سخنرانی حامد شریفی مسوول سازمان جوانان جمعیت اسلامی و شماری از محصلان و دعایی اختتامیه به پایان رسید. **زهرا "قبادی"**

ورکشاپ اعمار صلح و حل منازعات برای استادان دانشگاه‌های البیرونی، پروان، موسسه تحصیلات عالی پنجشیر و انستیتوت طبی لقمان حکیم در دانشگاه البیرونی دایر گردید.

در آغاز ورکشاپ پوهنمل احمد جاهد مشتاق معاون علمی و مسوول مرکز صلح پوهنتون البیرونی ضمن خوش آمدید گفتن مهمانان در مورد اهمیت صلح در محیط آکادمیک گفت «صلح نیاز هر فرد و جامعه ما است و ما باید صلح را از خود شروع کنیم، صلح درونی، سپس در خانواده و جامعه انکشاف بدهیم». سپس ورکشاپ متذکره توسط ترینر مرکز صلح پوهنیار نور محمد حشمت آغاز گردید. اشتراک کنندگان نیز از برگزاری ورکشاپ اظهار خرسندی کرده و محتوای ورکشاپ را مفید بیان نمودند. در روز اخیر ورکشاپ پوهنمل دوکتور عدالقهار سروری رئیس دانشگاه البیرونی نیز حضور یافت، از برگزاری این ورکشاپ استقبال نمودند. سپس تصدیق نامه‌ها برای اشتراک کنندگان توزیع گردید. قابل ذکر است که این نخستین ورکشاپی است که در آن درکنار استادان دانشگاه البیرونی، استادان دانشگاه‌های دیگر نیز شرکت می‌نمایند.

زهرا "قبادی"

امضاً تفاهمنامه همکاری‌های دوجانبه میان دانشگاه البیرونی و دو نهاد تحصیلات عالی خصوصی



این تفاهمنامه‌ها جهت گسترش همکاری‌های دوجانبه تحصیلی میان دانشگاه البیرونی و موسسات تحصیلات عالی خصوصی ادراک و دانشکده طب تحصیلات عالی دانش به امضاً رسید. این تفاهمنامه توسط پوهنمل احمد جاهد مشتاق معاون علمی و سرپرست دانشگاه البیرونی و مسوولان نهاد‌های تحصیلی مربوطه در دانشگاه البیرونی به امضاً رسید. جانبین، امضاً این تفاهمنامه‌ها را به سود یکدیگر دانسته و به عملی شدن مواد آن‌ها تأکید کردند.

فصلنامه ی صلح باوران: نظرات، انتقادات و پیشنهادات شمارا پذیرا است!

کارگاه آموزشی روش تحقیق برای استادان دانشگاه البیرونی برگزار گردید

نموده و از استادان خواست تا از محتوای این برنامه استفاده بهینه نمایند. در این ورکشاپ در رابطه به روش‌های معاصر تحقیق از مرحله آغاز تا انتشار آن توسط ترینران پرزنتیشن‌ها ارایه گردید. در این کارگاه آموزشی به تعداد ۲۰ تن از استادان فاکولته‌های مختلف دانشگاه البیرونی اشتراک ورزیده بودند و برای مدت پنج روز ادامه یافت. در روز اخیر، تصدیق نامه‌های تهیه شده برای اشتراک کنندگان توزیع گردید. استادان دانشگاه البیرونی از برگزاری چنین برنامه‌ها استقبال نمودند. **زهرا "قبادی"**



در آغاز ورکشاپ پوهنمل احمد جاهد مشتاق معاون علمی و سرپرست دانشگاه البیرونی در مورد اهمیت تحقیق در عصر کنونی و چگونگی فراگیری آن در دانشگاه‌ها صحبت

اتحاد یا قوم گرایی و اضرار قوم گرایی

برای نجات جامعه از چاله جهالت و فلاکت، و برای رسیدن بر فراز موفقیت و کامروایی؛ باید اتحاد، همبستگی، وحدت و هم دستی داشته باشیم، و از همه مهمتر اینکه، نگذاریم از متفاوت بودن ما استفاده سوء نمایند، متفاوت بودن انسان‌ها بخاطر شناخت است نه فضیلت (و آفریدیم شما را گروه گروه، تا اینکه یکدیگر خود را بشناسید، به درستی که بهترین شما با تقوا ترین شما است. «قرانکریم»). اگر پشتون یا تاجیک و یا هر قومی که هستیم باید به اصل تقوا فکر کنیم، به اصل برادری و اخوت فکر کنیم. تا باشد که کشتی و رشکسته‌ی خود را به ساحل موفقیت و نجات برسانیم. هر کس که دعوت به سوی قبیله و نژاد خود کند او جاهلی است که باید نصیحت شود. بر داعیان دین واجب است تا مسلمانان را از خطر این نیرنگ و طلسم کفار آگاه کنند تا مبدا مسلمانان متفرق شوند و بجای مبارزه با کفار، به جنگ با هم بپردازند. **الله تعالی می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» [مجادله: 22]** «هیچ قومی را نمی‌یابی که به الله و روز واپسین ایمان آورده باشند در حالی که با کسانی که با الله و رسولش مخالفت کرده اند دوستی کنند، هر چند آنها پدران یا پسران یا برادران یا خویشانان باشند.» **شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید:** هر شعاری و عملی که با اصل اسلام و قرآن فاصله بگیرد و معیار آن نژاد، وطن، مذهب و طریقه باشد از امور جاهلیت است؛ هنگامی که بین دو نفر از مسلمانان یک مهاجر و یک انصار مشاجره‌ای در گرفت و هر کدام گروه خود را به کمک طلبید، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «أَبْغَوِي الْجَاهِلِيَّةَ وَأَنَا بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ» («تفسیر ابن کثیر» 390/1). «آیا در حالی که من بین شما هستم فریاد جاهلانه سر می‌دهید؟» پیامبر صلی الله علیه و سلم با مشاهده‌ی این موضوع بسیار ناراحت شد. بنابراین باید آگاه بود و مواظب نیرنگ کفار باشیم، همانها بودند که با ترویج ملی گرایی و نژاد پرستی در بین مردمان امپراطوری عثمانی بذر اختلاف و تفرقه را میانشان پاشیدند تا آنکه متأسفانه هر یک از اقوام ترک و عرب و گُرد که سربازان امپراطوری عثمانی بودند به جان هم افتادند و کفار صلیبی موفق شدند با این ترفند این امپراطوری را که حامی مسلمانان جهان بود و از آنها پشتیبانی می‌کرد را نابود کنند و به چندین کشور کوچک و بزرگ تبدیل نمودند تا بدین طریق قدرت مسلمانان را تضعیف کنند و دیگر نتوانند خلافت اسلامی داشته باشند. اشغالگران افغانستان سالهاست که درمانده هستند و نمی‌توانند بر کشور مجاهد پرور افغانستان سیطره کامل یابند، بنابراین می‌خواهند با ترویج ملی گرایی در بین اقوام مختلف و مسلمان به همان روشی که خلافت عثمانی را نابود کردند، بر افغانستان نیز سیطره یابند و آنها را ضعیف و وابسته به خود نمایند و از دور تحت استعمار کشورهای غربی دربیابند. و این ترفند یعنی رواج فرهنگ قبیله و ملیت گرایی بیشتر از سلاحهای بزرگ و کوچک کفار برای مسلمانان خطرناکتر و زیان آور تر است. پس مسلمانان افغانستان و سایر کشورهای دیگر بایستی هوشیار باشند و بجای دعوت به ملی گرایی و قوم و قبیله، مردم را بر اساس ایمان و کتاب و سنت دوست بدارند، حتی اگر از قبیله و ملیت آنها هم نباشد. یک تاجیک مومن با یک پشتون مومن و یک ترکمن مومن و یک هزاره مومن همگی برادر و دوستدار یکدیگر هستند، و ملیت برای آنها اهمیت چندانی ندارد، حداقل دین را بر ملیت ترجیح می‌دهند. وقتی که مومن هم ایمان داشته باشد و هم به گناهان آلوده باشد، به خاطر ایمانش با او محبت دوستی می‌کنیم و به خاطر گناهانش از او خوشمان نمی‌آید ولی باز او را از بی ایمانی دوست تر داریم و او را بر کافری - حتی اگر برادر مان باشد- ترجیح می‌دهیم.

سید مجیب "سادات"

به جز سخن صلح، مسوولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.